



# کتاب‌های بازاری و ضعیف، ضد مطالعه‌اند

گپ‌وگفتی با مرجان فولادوند، سرگروه داوران حوزه داستان دوره آموزش ابتدایی

بگیرد نه به مترجم. معیارهایی که ترجمه را باید با آن‌ها سنجید معیارهایی‌اند از قبیل وفاداری به متن، روانی در زبان مقصد، انتخاب لحن و... یعنی به‌طور کلی معیارها با هم متفاوت است. بنابراین پیشنهاد دادیم که گروهی برای بررسی تخصصی‌تر آثار ترجمه ایجاد شود.

## ◀ کتاب‌های امسال را چگونه دیدید؟

واقعیت این است که عمده کتاب‌هایی که تعداد و سهم بیشتری از تولید کتاب کودک ایران را شامل می‌شوند، کتاب‌های بازاری با متن، تصویر و کتاب‌سازی بسیار ضعیف است که در کمال ناباوری تیراژ و سیستم توزیع بسیار گسترده‌ای هم دارد که باعث می‌شود مردم بیش از کتاب‌های خوب، این نوع کتاب‌ها را ببینند و بخرند. آسیبی که این کتاب‌ها به فرهنگ کتاب‌خوانی می‌زنند انکارنشدنی است. این کتاب‌ها با محتوای ضعیف مخاطب را از مطالعه سرخورده می‌کنند. به‌خصوص در دوره کودکی که نخستین مواجهه کودک با جهان کتاب و مطالعه است اگر این مواجهه ناموفق باشد و برای مخاطب لذت‌بخش نباشد احتمال اینکه برای همیشه مطالعه را کنار بگذارد بسیار زیاد است. یکی دیگر از موضوعاتی که امسال در میان کتاب‌ها به چشم می‌خورد آن بود که برخی ناشران کتاب‌های قدیمی خود را با عنوان چاپ نخست منتشر کرده بودند. یعنی کتابی که سال‌ها

## اشاره

گروه داستان دوره ابتدایی با سرگروهی مرجان فولادوند آثار چاپ اول این حوزه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ را بررسی کرده‌اند. فولادوند معتقد است بیشترین سهم تولید کتاب کودک در ایران مربوط به کتاب‌های بازاری ضعیف است که این موضوع باعث بیشتر دیده شدن آن‌ها هم می‌شود. اما آنچه آثار جشنواره امسال را تا حدی متفاوت کرده ورود آثار فانتزی فرم‌گرا به این حوزه است که البته در خدمت ایجاد معنا یا تفکری در مخاطب نبودند.

## ◀ خانم فولادوند، از داوری آثار رسیده به گروه داستان دوره ابتدایی برایمان بگویید.

از میان کتاب‌های چاپ اول در سال‌های ۹۳ و ۹۴ و تعداد بسیار کمی از کتاب‌های چاپ سال ۹۲ که به داوری جشنواره قبل نرسیده بودند، بعد از دو مرحله داوری و انتخاب بهترین‌ها، حدود ۹۰ عنوان کتاب به مرحله داوری نهایی رسیدند. البته کتاب‌های ترجمه و تألیف در یک گروه بودند. ما ابتدا کتاب‌های ترجمه را جدا کردیم. چرا که معیارهای سنجش آثار تألیف و ترجمه با هم متفاوت است و نمی‌توان آن‌ها را با هم ارزیابی کرد، به‌عنوان مثال در داستان به شخصیت‌پردازی، جذابیت ماجرا، نوآوری در ساخت داستان و... رأی می‌دهیم، اگر بخواهیم در داستان ترجمه هم طبق همین معیارها امتیاز دهیم باید جایزه به نویسنده تعلق

پیش منتشر شده و موفق بوده با کمی تغییر مثل تغییر جلد یا حتی بی هیچ تغییری به عنوان کتاب چاپ اول دوباره وارد بازار کتاب شده است.

### ◀ این موضوعات و مشکلات سال هاست که مطرح می شود...

بله. چرا که این حرفها جایی شنیده نمی شوند. سال هاست می گوئیم یکی از موانع رشد عادت مطالعه در ایران کتابهای بد هستند. چرا باز هم کتابهای بد گسترش پیدا می کنند و بازار نقد ما این قدر کساد است و این نقدهای کم هم شنیده نمی شود؟ از آن مهم تر این که جشنواره های متعددی در ایران برای معرفی کتاب برگزار می شود. حاصل این جشنواره ها فهرستی از بهترین کتابهای موجود است، برای انتخاب این کتابها و تهیه این فهرستها وقت و تخصص و هزینه بسیاری صرف می شود. اما چرا این کتابهای منتخب، در نمایشگاههای گسترده ای که توسط نهادهای دولتی در سطح شهرها، در مدارس، مراکز فرهنگی و... برگزار می شود و از تخفیفهای خوبی هم برخوردار هستند حضور ندارند؟

این نمایشگاهها که هدفشان در دسترس قرار دادن کتاب و آسان شدن ارتباط مردم و کتاب است در فرم و اجرا موفق هستند اما محتوایی که ارائه می کنند چندان قابل دفاع نیست. در حوزه کتاب کودک و نوجوان، ما چند لیست از کتابهای برتر داریم که طی سال معرفی می شوند. از جمله جشنواره رشد، فهرست کتابهای لاک پشت پرده، فهرست شورای کتاب کودک، جایزه آذر یزدی، جایزه کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و... جای کتابهای معرفی شده در این لیستها در این نمایشگاهها واقعاً خالی است و جایشان را ضعیفترین کتابها پر کرده اند. پس اگر می فرمایید این مشکلات سال هاست که تکرار می شود به این دلیل است که کسی حرفها را نمی شنود. شهرداری که در فرهنگسراها کتابها را با تخفیف عرضه می کند، و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که تخفیفهایی ارائه می دهد، چرا سراغی از این فهرستها نمی گیرند؟

### ◀ پس به نظر شما یکی از مشکلات این است که تعداد کتابهای نامناسب بیشتر از کتابهای مناسب است؟

هم در تولید بیشتر است و هم در توزیع. به غیر از این که سهم بیشتری از بازار کتاب دارند، سهم بیشتری از نمایشگاهها و تخفیفهای دولتی را هم گرفته اند. چون به کارهای کارشناسی توجهی نمی کنند. کاش کمیته ای باشد که مشخص کند چه ناشری چه آثاری را به نمایشگاه بیاورد و این کمیته به لیستهای کارشناسی شده و منتخب حاصل از جشنوارهها هم توجه کند.

### ◀ به طور کلی تحلیل تان از آثاری که امسال داوری کردید چیست؟ نسبت به سالهای گذشته چه تفاوتی داشتند؟ نکته ای که در کتابهای کودک امسال چشمگیر بود، تعداد

بسیار زیاد فانتزیهای فرم گرا بود. به نظر من تلاش ما برای وارد کردن فانتزی در ادبیات کودک که جای آن خالی بود، به لطف و زحمت نویسندگان و ناشرانی که وقت و عمر خود را برای این موضوع گذاشته اند در حال شکل گیری است. ما در حال پیدا کردن بنیه ای از تولید فانتزی هستیم. این جای خوشحالی دارد اما اگر ظرفیت ساخت فانتزی ما در خدمت ایجاد معنا و تفکر که اتفاقاً کودکان ما به شدت به آن نیازمندند در نیاید، جای عمده ای از ادبیات کودک و نوجوانان خالی می ماند. من امیدوارم در جشنواره های آینده شاهد تولید فانتزیهایی باشیم که با وجود فرمهای تازه و قوی محتوای قابل تأمل تری هم دارند. آنچه ما امسال بیشتر دیدیم فانتزیهایی محدود به تصویر و ایماژ بودند. یعنی فقط سعی در ایجاد تصاویر تخیلی دارند و

نه ماجرا یا موقعیت فانتزی. اینها نوعی از فانتزی مبتنی بر تخیل آزاد در تصویرسازی است. فانتزی در این حد، فقط یک ظرف و بستر است برای اینکه بتوانیم از آن استفاده کنیم، ماجرای با آن بسازیم و این تصویرهای خلاق و ماجراها در خدمت ایجاد معنا و نگاه و تفکر باشد.

جای آن در ادبیات کودک ما خالی بود. امیدوارم حرکت روبه جلویی داشته باشد و به نوع کاملی از ادبیاتی قابل تأمل تبدیل شود.

### ◀ نقطه قوت کتابهای این دوره را چه می دانید؟

اگرچه کتابها کم بودند اما جرقه هایی از توجه به موضوعات روز مثل محیط زیست، مهربانی با حیوانات، جنگ و صلح و نیز اهمیت دادن به تخیل کودکان در آثار دیده می شود. جوانه این موضوعات در کتابها بود، گرچه خیلی از آنها به کمال نرسیده بود اما نشان می دهد که این موضوعات وارد ادبیات کودک شده است.

### ◀ و اما جشنواره؟

روشن است که کار اجرایی جشنواره ای تا این حد گسترده در رشته های متفاوت بسیار دشوار است. اما نظم و دلسوزی صمیمانه دوستان در تهیه کتابها، فراهم کردن شرایط آزاد و به دور از هرگونه سوگیری و اعمال سلیقه، امکان داوری آزاد و منصفانه را فراهم می کرد. همه دوستان اجرایی همکاری داشتند و حتی خارج از ساعت موظف یا کارهای اداری کمک کردند تا همه چیز به بهترین شکل ممکن پیش برود. نکته ای که برای من مهم بود دقت دلسوزانه دوستان در تهیه کتابها بود. آنها تا حد ممکن برای دیده شدن همه کتابها تلاش کردند و اگر کتابی از قلم افتاده است شاید تا حدی از کم لطفی ناشران باشد. و من به سهم خودم به خاطر صمیمیت و تعهدشان برای انتخاب بهترین کتابها برای بچه های ایران از آنان و دوستانم در گروه داوری سپاس گزارم.

**کتابهای بازاری تیراژ و سیستم توزیع بسیار گسترده ای دارند. آسیبی که این کتابها به کتابخوانی می زنند انکار نشدنی است. این کتابها با محتوای ضعیف مخاطب را از مطالعه سرخورده می کنند**